



سال دوم، شماره ۸۵
پنجشنبه ۱۱ تیر ماه ۱۳۶۰
بهاء ۱۰ اریال

سه بار در هفته منتشر میشود

رهائی

ویژه مبارزات توده‌ای

نشریه سازمان وحدت کمونیستی

انتخابات میان دوره‌ای

بی اعتباری و شکست مفتضحانه
رژیم جمهوری اسلامی

حزب جمهوری اسلامی، پس از کنار ردن رقیب خود بنی صدر، ب فکر انجام انتخابات میان دوره‌ای افتاد. این انتخابات فقط در شهرها بی صورت گرفت که حزب جمهوری اسلامی احتمال میداد که مراسم آن بی دردسر انجام میشود. با اینکه حزب از مدتی قبل، با اوجگیری جدلهای دو جناح حاکمیت، با خطر عدم حضور نمایندگان "لیبرال" در مجلس و در نتیجه با فقدان حدتصاات لازم برای تشکیل جلسات یا تصویب لوایح دولت مواجه بود، با اینحال تا وقتیکه روزنامه‌های انقلاب اسلامی، میزان و غیره را تعطیل نکرد و بنی صدر را از ریاست جمهوری کنار نگذاشت، به بهانه‌های مختلف از انجام این انتخابات مرتبا طفره رفت.

بر انجام، شرایط "مطلوب" برای حزب جمهوری اسلامی در انجام انتخابات میان دوره‌ای فراهم گردید. ولی "بدبختی" حزب منحوس حاکم در ایستگاه بلافاصله پس از "پیروزی" در انتخابات میان دوره‌ای و بدست آوردن حدت بقیه در صفحه ۶



اتحاد عمل
یا
"جبهه...؟"

در شماره‌ی پیش نوشتیم که در شرایط فعلی کوشش سازمانهای جنب برای همسو کردن فعالیتهای و اتحاد عمل، نه تلاشی از "بالا" بلکه جواکوبی به یک نیاز مبرم جنب کمونیستی است که همراه با تندید مبارزه علیه رژیم جمهوری اسلامی در یک مجرای صحیح میتواند شرایط لازم را برای تکوین بدیل اجتماعی جنب فراهم کند. نگاهی به سریات سایر سازمانهای جنب نشان میدهد که این مسأله بهر حال خود را بنحوی از اجزاء به غالب سازمانها تحصیل کرده است و دیگر سخنان خودمدارانه و فرقه‌گرایانه کمتر مجال بروز و ظهور می‌یابند. دو پیشرفت مهم هفته‌های اخیر که بیمن تندید خفتگان جمهوری اسلامی بوجود آمد یکی تاکید بر ضرورت اتحاد عمل است و دوم درک اهمیت مبارزات دموکراتیک. اینها بهر حال پیشرفت است اما اگر به اینها مات و اشکالات آنها برخورد نشود پیشرفتی صوری و ظاهری باقی خواهد ماند و راه بجایی نخواهد برد.

در ابتدا باید دید چرا تشخیص اهمیت مبارزات دموکراتیک برای جنب چنانستقدر بطور انجامید؟ آیا بقیه در صفحه ۲

در صفحات دیگر

- * اسناد مربوط به بنیاد مستضعفان (۷)
- * حزب توده و فدائیان (اکثریت)
- * جاسوسان رژیم سرمایه‌داری

* اخبار



باخوانندگان...

به منظور وسعت کردن برد افشاکری در شرایط خفان بار کنونی، سازمان ما وظیفه‌ی خود میدانند که تعدادی از نشریه‌ی رهائی را مجاناً در میان زحمتکشان پخش کند. برای ادامه‌ی این راه و تامین هزینه‌های لازم از دیگر خوانندگان رهائی می‌خواهیم تا با افزایش کمکهای مالی خود ما را یاری دهند.

اتحاد عمل یا ..

باید ضربه‌ی نهایی چماق بر سر تک‌تک اتحاد این ملت صدها بار فرود می‌آید تا کمونیست‌ها بفهمند باید برای آزادی مبارزه کنند؟ هنگامیکه ما مقالات متعددی در این زمینه در رهایی منتشر کردیم کم نبودند سازمانها و گروههایی که خرسند از داشتن دکهای در این خیابان و آن پس‌کوچه و بنا براین "آزاد" بودند، ما را متهم به افراط در این زمینه می‌کردند. ایشان چنان جدا از جو جامعه و تحولات سیاسی در پیله‌ی خود بافته نرو رفته بودند و چنان تحت شوریه‌ی مسخ شده‌ی "کمونیستی" - بخوان استالینیستی - نیاز انسانیت به سکوفایی و آزادی، جدایی ناپذیری مفاهیم عدالت اجتماعی و آزادی را نمی‌میکردند که تنها زمانیکه چماق مستخفیا به سر آنها فرود آمد فهمیدند عجب آزادی هم چیز بدی نیست. اگر این نیروها در صحنه‌ی اجتماع تنها بودند شاید تماشای این صحنه خالسی از لعاف نبود اما این عقب ماندگی مدتها در شرایطی بروز میکرد که نیروهای دیگری در همین اجتماع برجسته "آزادخواهی" را کذا یا نه با دستهای خود بالا گرفته و صدها و صدها هزار تن را بدور آن جمع کرده بودند. ما در رهایی ۴۶ (۱۸ شهریور ۵۹) مطالبی در این زمینه نوشتیم و بالاخره در رهایی ۵۶ (۲۰ آذر ۵۹) گفتیم که: "بدین ترتیب ما هدیه می‌شود که زیاده نیست اگر گفته شود از عوامل مهمی که بنی مדר را بی‌مدر کرده است چپ ایران است. این چپ ایران است که اجازه داده است که او و امثال او بیکه ساز صحنه‌ی آزادیخواهی شوند. این چپ ایران است که بجای آنکه خودخواست توده‌های مردم را بیان کند، در اثر انحرافات بیستی و خیانت، آزادیخواهی را معادل لیبرالیسم نمودار ساخته است."

"... چپ انقلابی ایران باید با قاعده‌ی استوار در مقابل این تحریفات و بدآموزیها بایستد. آزادی شعار لیبرالها نیست. شعار واقعی کمونیستهاست. درجا معنی سرما بداری کمونیستها را، ای بسا نیستند که ما نسبتها روزنامه‌ی لیبرالها را توقیف کنند. دفاع از آزادی مطبوعات - ولومطبوعات لیبرالی - بشنوندی دفاع از آزادی مطبوعات است چپ ایران... باید ندای آزادیخواهی را بلند کند. از هوچیکری فاشیستهای چپ‌نمها و جبهه‌ی منحرف بیزارید. باید بارساندن بانک آزادیخواهی به مردم، هم خواست خود را نشان دهد، هم توده‌های عاصی از خفتان را جذب و راهنگاه کند و هم لیبرالها را خلع سلاح کند."

و بالاخره: "کمی که دستکرا آزادیخواهی را ترک میکند و آنرا بدست لیبرالها میسپارد در خدمت لیبرالیسم است و نه کمی که این دژ را ترک نمیکند و با فریب می‌توبند که کمونیستها آزاده‌ترین انسانهای روی زمینند." این هشدارهای متعدد بکوش گرفته شد تا اینکه امروز تازه فی المثل سازمان بیکار درک کرده است که:

"این خود باعث کردید که توده‌های معترض بدستید خفقان و سرکوب، نا آگاهانه، به زیر پرچم لیبرالیسم بوسیده و ضد انقلابی بورژوازی لیبرال گنا نده شوند. (بیکار ۱۱۰)"

برسدنی است که آیا خود شما و دیگر هم سخنان جبراً عوامل "این خود باعث کردید" بوده‌اید یا نه. آیا توضیح شما برای آن توده‌های بقول شما "نا آگاهی" که "زیر پرچم لیبرالیسم" گنا نده شدند چیست؟ شما برای آگاه کردن آنها چه کردید، حقیقت اینست که این توده‌های مورد نظر هر قدر هم نا آگاه، متاسفانه از رفقای بیکاری ما آگاه‌تر بودند و خیلی زود تر از آن تا باز به آزادی و مبارزه برای آنها درگ کرده بودند. عقول متعارف همواره راهنمای خوبی نیست ولی هزار بار قابل اعتماد تر عقل محجور است. "بایستی" تحت بدآموزیهای

غیر کمونیستی استالینیستی گرفتار می‌آیدیم، لحظه به لحظه فریبکاری "لیبرالها" و متوهم شدن توده‌ها را نظاره‌گر می‌ماندیم تا آنکه در تمام مفاصلات در ۲۵ خرداد ۵۶ "بیانیه" بدهم که ای داد و ای امان توده‌های "نا آگاه" "زیر پرچم لیبرالیسم" رفته‌اند!! ما میدانیم که بیکار مجبور خواهد شد از سهم سنگینی که در وارد آوردن ضربه به جنبش کمونیستی داشته است بظاهر انتقادی هم از خود بکند. اما اگر حرکت گذشته ملاکی برای آینده باشد خواهیم دید که این "انتقاد" نیز مانند انتقاد از خودهای گذشته‌ی ایشان به گناه جناحی دیگر در درون سازمان "اکثریت"، "اقلیت" واقعی یا موهوم انداخته خواهد شد و این داستان من نبودم دستم بود، ادامه خواهد یافت. هنگامیکه قدرت برخورد انتقادی به تفکر و اساس آن وجود نداشته باشد توسل به چنین شیوه‌هایی اجتناب ناپذیر است. بهرحال چه این تشخیص جدید واقعی باشد و چه صوری در هر حال کامی به بیش است، تنها امیدواریم که رفقا در یک چرخش ۱۸۰ درجه‌ای بعدی مواضع امروزی خود را مجدداً به ترونگیستی و نظایر آن نخوانند.

اما درک ضرورت اتحاد نیز توسط غالب سازمانها خالی از ایرادات فراوان نیست. برای نمونه سه نوشته‌ای در کار شماره ۱۱۴ تحت عنوان "در پی راهی تشکیل جبهه" می‌پردازیم. در این نوشته رفقای فدایی در جواب به سئوالاتی که بی‌رامون تشکیل جبهه شده است توضیحاتی میدهند که دید ما روشن و کنگ و سهم پشت آنها نشان میدهد. رفقا اظهار میدارند که: "علیرغم ضرورت اتحاد نیروهای انقلابی هنوز شرایط تشکیل جبهه فراهم نشده است."

و با: "اتحاد عمل نیروهای انقلابی کامی است در جهت ایجاد شرایط مناسب برای تشکیل جبهه."

و نیز: "نیروهایی که دارای هدف مرحله‌ای و دشمن مشترک هستند باید حول یک برنامه‌ی انقلابی... توافق کنند."

همه‌ی اینها بروشنی نشان میدهد که رفقا درکی مبهم از مفاهیم و واژه‌ها دارند و تحت توهمات پوپولیستی دائماً مرز میان نیروهای مختلف اجتماعی را محدود میکنند. در این مورد توضیح میدهم.

فرض کنیم که بعطت تشدید جو فاشیستی ضرورت اتحاد عمل میان نیروهای چپ و دموکراتهای انقلابی ایجاد شده باشد (که البته بحثهای زیادی در این مورد هست و شروطی هست که بدانها خواهیم پرداخت). بسیار خوب، در چنین شرایطی جبهه‌ای که هدفش مبارزه ضد فاشیستی است را چه چیزی جز جبهه‌ی ضد فاشیستی میتوان نام نهاد؟ آیا هدف از "جبهه" همین جبهه‌ی ضد فاشیستی است یا چیز دیگری است. در صورت اول رفقا باید توضیح دهند تشکیل جبهه‌ی ضد فاشیستی چه ضرورتی دارد و چه موانعی. توضیحی در این باب نمی‌یابیم، چون هدف رفقا از "جبهه" روشن نیست. عده‌ای از "کار" سئوال مبهمی کرده‌اند که چرا "جبهه" تشکیل نمیدهد، و رفقا جواب مبهمتری داده‌اند که "شرایط تشکیل جبهه فراهم نشده است."

به گمان ما زمینه‌ی تشکیل جبهه‌ی ضد فاشیستی وجود دارد ولی بیک شرط. و آن اینکه نیروهای چپ - نیروهای کمونیست - ابتدا ائتلاف یا اتحاد عمل ضروری میان خود بوجود آورند و بعد با نیروهای غیر کمونیست وارد مذاکره برای تشکیل جبهه ضد فاشیستی شوند. هر نوع مذاکره تک‌تک و جداگانه، نیروهای کمونیست با سایر نیروها بر چنین مبنایی چیزی جز کمک به هژمونی نیروهای غیر کمونیست در هر نوع جبهه - و در اینجا جبهه‌ی ضد فاشیستی - نیست. رفقا! ابتدا باید خانه را ساخت. تا زمانیکه چنین نشده است، تا زمانیکه سازمانهای چپ یاد نگرفته‌اند و خواسته‌اندیا هم وارد مذاکره‌ی جدی و صمیمانه شوند و برنامه‌ی مشترک ارائه دهند، نیروهای غیر کمونیست حق خواهند داشت. بقیه در صفحه‌ی ۶ *

اسناد مربوط به بنیاد مستضعفان :

۷- اموال متعلق به زحمتکشان در خدمت سرکوب نیروهای انقلابی

در شماره های گذشته رهاغی، بخشهایی از حیف و میل اموال متعلق به زحمتکشان را که در جریان قیام بوده ها و غصب قدرت توسط مرتجعین بدست آیدای حکومت افتاده بود، با استفاده از اسناد و مدارکی که توسط مسئولین بنیاد مستضعفین تهیه شده بود، آوردیم و نشان دادیم که مسئولین این بنیاد و هیات امنای آن با چه کنده دستی بی مائندی به جباول میلیاردها تومان ثروت متعلق به زحمتکشان برداخته اند. در دنباله ای مطلب در این شماره لیستی از اتومبیلهای مصادره شده توسط بنیاد را که در اختیار "نهادهای انقلابی" افراد مختلف و نهادهای سرکوب جمهوری اسلامی مانند کمیته ها و سپاه قرار داده شده اند، خواهیم آورد.

لیست اتومبیلهایی که از جانب "بنیاد مستضعفین" در اختیار افراد و نهادهای مختلف قرار گرفته نسبتاً طولانی است. ولی، بدلائلی که در زیر به آنها اشاره خواهیم کرد تصمیم گرفتیم لیست کامل را منتشر سازیم. اثر چه بدلیل کمبود جا مجبور خواهیم بود این لیست را در دو شماره رهاغی چاپ رانیم. اولاً به این دلیل که بخشی از این اتومبیلها مستقیماً در اختیار کمیته ها، سپاه و داستانی های ضدانقلاب قرار گرفته

و بنابراین از آنها بقینا برای سرکوب مبارزین، استفاده میشود. شناسایی اینگونه وسایل نقلیه مستواً ند به هوشیاری مبارزین انقلابی برای مقابله در برابر تهاجمات رژیم و ردیابی عناصر و نیروهای ضدانقلابی کمک کند. ناخواسته، بخش دیگر این وسایل نقلیه کسه در اختیار موسسات ظاهراً عام المنفعه قرار گرفته احتمالاً در همین جهت مورد استفاده قرار میگیرند.

در قسمت اول لیست خودروها بی آنکه در اختیار کمیته ها و سپاه پاسداران در تهران و شهرستانها قرار گرفته است، بچاپ میرسانیم. این لیست ۵۹ اتومبیل را در برمیگیرد که ۴۰ دستگاه آن در تهران و ۱۹ دستگاه باقیمانده در شهرستانها بین نهادهای سرکوبگر بخش شده اند.

طبعی است که این تعداد وسیله نقلیه کلیل وسایل نقلیه ای این نهادها را نشان نمیدهد. بسیاری از اتومبیلهایی که در اختیار کمیته ها و سپاه قرار دارند، مستقیماً توسط خود آنان مصادره شده و بدون اینکه نشانی از آنها در اسناد و مدارک دولتی موجود باشد مورد استفاده ای آنها قرار میگیرد.

متن سند

آمار اتومبیلهایی که در اختیار کمیته ها و سپاه پاسداران تهران و حومه قرار گرفته

شماره پرونده	نوع خودرو	شماره شهرداری	وضعیت مالکیت	نام مرجع دستوردهنده	واحد استفاده کننده	شخص تحویل گیرنده
۱۴۶	بیگان استیشن	تهران ۳۶۹۱۹	خریداری بنیاد	حاج آقا برهمند	کمیته مرکزی	مصطفی جورابچی
۱۴۷	"	تهران ۲۶۹۴۷	"	"	"	"
۱۴۸	"	تهران ۳۶۹۴۴	"	"	"	"
۱۴۹	"	تهران ۳۶۹۴۸	"	"	"	"
۱۵۰	"	تهران ۳۶۹۱۳	"	"	"	"
۱۵۱	"	تهران ۳۶۸۹۸	"	"	"	"
۱۵۲	"	تهران ۳۶۹۲۹	"	"	"	"
۱۷۶	بیگان جوانان	تهران ۶۲۶۶۶	هرمز قریب	مهندس خاموشی	سپاه پاسداران - منطقه دو	سعید طایفه نوروز
۱۸۶	بیگان استیشن	تهران ۹۱۷۶۴	درباری	حاج آقا شفیعی	کمیته منطقه هفت	اکبر دهقان زاده
۲۰۷	تورلت	تهران ۴۷۸۷۶	مدیریت نیروی هوایی	مهندس خاموشی	کمیته امداد امام	عسکراولادی
۱۶۲	بیگان استیشن	تهران ۴۴۷۲۵	خریداری بنیاد	"	کمیته امداد امام	عزیزالله حسنی - اردکانی
۴۰۸	ولسو	تهران ۳۹۱۳۲	مانا الله انصاری	"	سپاه پاسداران - تهران	علی نقی ...
۳۱۹	بنز ۲۴۰	تهران ۳۵۴۷۵	درباری	"	کمیته مرکزی	حاج محمود استادی
۲۲۶	بنز ۲۸۰	تهران ۷۱۲۱۲	سید مهدی میراسته	"	کمیته منطقه ۱۲	اسماعیل افتخاری
۶۹۸	بنز ۲۸۰	تهران ۹۸۵۷	مصادره ای	"	سناد ۳	"
۴۲۴	بنز ۲۸۰	تهران ۱۱۱۱۲	مصادره ای	"	کمیته امداد امام	مهدی عسکراولادی
۴۵۵	بنز ۲۸۰	بدون شماره	مصادره ای	"	"	"
۲۵۲	فولکس	تهران ۳۵۱۲۸	درباری	"	کمیته منطقه ۸	برات بختیا ...
۷۰۶	بیگان	تهران ۲۷۴۶۴	کنسرسيوم آبیگ	حاج آقا برهمند	کمیته مسجد تهران	سید محسن دروس
۶۱	بیگان	تهران ۷۲۷۷۷	ابوالحسن ...	"	"	"
۵۲	بیوک ایران	"	مصادره ای	مهندس خاموشی	کمیته امداد امام	مهدی عسکراولادی
۴۵	جیب شیان	۸۹۱ ؟؟؟	خریداری بنیاد	حاج آقا برهمند	کمیته لشکرک	سیدرضا میرمحمد حسینی
۱۰۷	رتسو	تهران ۷۹۷۷۵	"	مهندس ...	کمیته مرکزی منطقه ۱۰	محمد جواد قاجاریه
۳۰	جیب آهو	تهران ۷۸۲۵۱	"	حاج آقا برهمند	کمیته منطقه ده	یزدان پناه وفاغی

سید لطف الله فرقا	کمیتہ قرچوک	حاج آقا عراقی	تهران ۲۸۲۴۹-۲۵	جیب شهباز	۳۲
سید محسن سید محمدی	کمیتہ لشکرک	حاج آقا برهمند	تهران ۲۷۲۵۱-۲۵	"	۳۳
حمید ناصری	کمیتہ منطقه دو	حاج آقا شعیبی	تهران ۱۷۷۵۸-۲۵	"	۳۴
حسنعلی بابا جمالی	کمیتہ امداد - پزشکی امام	مهندس خاموشی	مصادره ای	بنز ۲۳۰	۸۲
حسین خدا برست	کمیتہ مرکزی	"	"	بنز	۸۱
سید مصطفی زاهدی	کمیتہ ونک	حاج آقا برهمند	تهران ۲۸۲۴۷-۲۵	جیب آهو	۳۲
علی اکبر نادری	کمیتہ منطقه پنج	حاج آقا کریمی	تهران ۲۴۸۸۵-۲۵	"	۵۹
علی خیابانی	کمیتہ مشاع آبعلی	حاج آقا برهمند	تهران ۳۳۲۵۹-۲۵	"	۹۶
علی رضا بهرامی - شمس آبادی	کمیتہ امداد - منطقه سیزده	مهندس خاموشی	تهران ۲۵۸۲۸-۲۵	لندرور	۱۶۵
سهراب علی زاده	کمیتہ منطقه ۱۴	حاج آقا برهمند	تهران ۲۶۹۲۲-۲۵	بیمکان ستیش	۱۵۲
حاج آقا عمید زنجانی	کمیتہ منطقه ۱۵	حاج آقا عراقی	تهران ۶۹۵۵۹-۲۵	سزو	۵۷
حسین خدا برست	کمیتہ مرکزی	مهندس خاموشی	مصادره ای	بنز ۲۳۰	۷۶
مهدی عسکری ولادی	سرویس سرپرستان - کمیتہ امداد	"	تهران ۸۰۵۲۳-۲۴	تورلت ایران	۱۴۲
حسین تندکار	ستاد عملیاتی - شماره ۳ وابسته به منطقه دوازده	حاج آقا برهمند	تهران ۱۷۱۸۵	بیمکان	۱۶۹
اسعیل افتخاری	"	"	مصادره ای	پلیزر	۲۷۰

آمارات و موبیلهائی که در اختیار کمیته‌ها و سپاه پاسداران شهرستانها قرار گرفته

شماره پرونده	نوع خودرو	شماره شهربانی	وضعیت مالکیت	نام مرجع دستور دهنده	واحد استفاده کننده	شخص تحویل گیرنده
۳۱	آریا	تهران ۳۴۴۵۲	نصرت الله بهروزی	مهندس ...	کمیتہ کرج	-
۳۰	بیمکان	۳۲۸۷	مهدی مویری طلوع	حاج آقا برهمند	"	-
۳۷	جیب شهباز	تهران ۲۷۲۴۹-۲۵	خریداری بنیاد	حاج آقا عراقی	سپاه پاسداران - سیستان بلوچستان	نور احمد - لیطفی
۳۸	"	تهران ۲۷۲۸۹-۲۵	"	حاج آقا شعیبی	کمیتہ مرکزی - اصفهان	احمد حسین زاده - حجازی
۵۶	جیب آهو	تهران ۳۶۹۴۹-۲۵	"	"	"	"
۵۷	"	تهران ۲۴۸۸۷-۲۵	"	"	"	"
۵۸	"	تهران ۲۴۸۸۹-۲۵	"	"	"	"
۶۳	"	تهران ۳۴۹۱۷-۲۵	"	حاج آقا عراقی	سپاه پاسداران - زاهدان	نور احمد لیطفی
۶۴	"	تهران ۳۴۸۷۳-۲۵	"	"	"	"
۶۶	"	تهران ۳۵۸۷۱-۲۵	"	حاج آقا شعیبی	کمیتہ خلخال	جواد صادق خلخالی
۱۷۰	لندرور	تهران ۴۴۵۲۳-۲۵	"	مهندس خاموشی	کمیتہ امداد - شهرستان بم	شهراد فخری
۱۷۷	وانت سیمرغ	هنوز نمره نشده	"	"	"	رضا سهرادزاده
۴۱	جیب آهو	تهران ۳۴۹۱۲-۲۵	"	حاج آقا برهمند	کمیتہ خوانسار	مرتضی شعیبی
۹۴	"	تهران ۳۳۲۷۲-۲۵	"	حاج آقا شعیبی	کمیتہ قاش دون - همدان	محمد شریعتی بارسا
۴۴	"	تهران ۳۳۲۵۷-۲۵	"	موسوی اردبیلی	سپاه پاسداران - کرمانشاه	رضا اردلان
۷۲	"	تهران ۳۳۲۸۲-۲۵	"	حاج آقا شعیبی	کمیتہ خمین	حسن فریدونی
۱۸۵	"	۲۷۱۱۲	"	حاج آقا کریمی	کمیتہ وسپاه - پاسداران کاشمر	محمود اسدی
۴۴۵	لندرسواری	یزد ۱۶۹۳۶	"	آقای سرحدی زاده	سپاه پاسداران - زاهدان	شینها رضائی
۳۸۰	بنز ۲۸۰	تهران الف ۶۵۳۹۳	حدا میراحمدی	مهندس خاموشی	کمیتہ منطقه - شهریار	حاج محمود داودی - سزاد

تسمتی از متن اصلی سند شماره ۱۰۷ و ۱۰۸ مستند شده است

شماره پرونده	نوع خودرو	شماره	وضعیت مالکیت	نام مرجع دستور دهنده	واحد استفاده کننده	شخص تحویل گیرنده
۱	بیمکان	۶۱	"	حاج آقا شعیبی	کمیتہ امداد اهر	کریمین
۲	بورد ابرال	۵۲	"	مهندس خاموشی	کمیتہ امداد امام	مهدی عسکری ولادی

حزب توده و فدائیان (اکثریت) جاسوسان رژیم سرمایه داری

و از مردم دعوت میکند که همگی " وحدت کلمه " را حفظ کنند و زیر پرچم جمهوری اسلامی تحت رهبری امام خمینی به مبارزه ادامه دهند. اکثریت به هواداران و اعضا و همه پیروان خود هشدار میدهد که ضدانقلابیون و طرفداران آمریکا میخواهند که رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی را سرنگون کنند و بنابراین باید با تمام قوا از حرکت آنان جلو گرفت و برنامه شان را خنثی کرد. اکثریت از مردم و هوادارانش میخواهد که هرگونه حرکات مشکوک و اقدامات ضد رژیم را به " سپاه پاسداران " مستقیماً اطلاع دهند تا حاکمین سرمایه و دولتگردان جمهوری اسلامی هرچه سریعتر بتوانند این حرکات را سرکوب و خنثی کنند. در گذشته حزب توده از هواداران میخواست که اطلاعات مربوط به " حرکات مشکوک " را به " کمیته مرکزی حزب " اطلاع دهند تا این اطلاعات از طریق سازمانی در اختیار کمیته مرکزی حزب جمهوری اسلامی قرار گیرد. این سازمان اکثریت از این هم فراتر میبرد و از هواداران میخواهد که بدون بیمودن سلسله مراتب تشکیلاتی اطلاعات خود را برامون حرکات مشکوک مستقیماً در اختیار سپاه پاسداران قرار دهند. زهی بشرمی! عملکرد حزب توده و فدائیان (اکثریت) بهمانه جاسوسان رژیم سرمایه واقعا قابل تامل است و امروز بعنوان یک مساله جدی باید مورد توجه همه جریانهای انقلابی و کمونیستها قرار گیرد. حزب توده و شریک اکثریتی آن هم اکنون افراد و عناصر ابوسرزیون انقلابی را در هر کجا که باشند (کارخانه، اداره، مدرسه، ...) شناسایی نموده، وابستگی سازمانی و مشخصات عقیدتی آنان را تعیین نموده و سپس اطلاعات خود را با مستقیماً یا بطور غیر مستقیم در اختیار مراکز اطلاعاتی و انتظامی رژیم قرار میدهند. باید هوشیار بود و این خائنین را هر کجا که باشند ربوا کرد و اقداماتشان را خنثی نمود. عملکرد حزب توده و اکثریت بعنوان عملکرد دستگاهاهای امنیتی و اطلاعاتی رژیم سرمایه حاکم هم اکنون باید مورد ارزیابی و بررسی جدی و دقیق همه نیروهای انقلابی قرار گیرد. غفلت در این امر و ناپیگیری در افشای سیاست و عملکردهای جدید این دو گروه هم بیمان با رژیم مرتجع، عواقب ناگواری را در بر خواهد داشت.

آغاز حرکات اعتراضی توده ها در روزهای اخیر علاوه بر اینکه سمیت و ددمنشی رژیم جمهوری اسلامی را بیه نمایش گذاشت و از ماهیت ارتجاعی آن برده برداشت، مشت خائنین و سازشکاران را نیز بیش از پیش باز نمود و نشان داد که چطور کسانی که تا دیروز تا بدان حد از خلق و توده و نظائر آن دم میزدند حاضرند بخاطر بندوبست با رژیم و قانونی شدن، منافع توده ها را آنقدر ارزان بفروشند و متغلاب خیانت غوطه ور شوند. نه حزب توده و نه فدائیان (اکثریت) هیچ یک در صحنه معادلات سیاسی روز حتی در ایوزسیون نیستند. اینان جز باران رژیم و از هواداران آن به حساب میآیند. درست است که هیچ یک از این دو سهمی در قدرت ندارند و مشارکت رسمی در حاکمیت برایشان منظور نشده اما برای آنان همین بس که بتوانند متینک قانونی در دفعه از جمهوری اسلامی برتریب دهند و در بحث آزاد تلویزیونی از تجانس و شباهت ایدئولوژی مادی و الهی سخن گویند و بزعم خودشان ثابت کنند که مارکسیسم در واقع همان مونیسم است آنچنانکه فلسفه الهی نیز مونیسم است و از لحاظ فلسفی، سیاسی، اقتصادی و غیره تفاوت چندانی بین این دو نیست. مارکسیسم همانقدر میتواند توده ها را از بند برهاند که اسلام و فلسفه الهی میتواند! اگر حزب توده و اکثریت مانند همه ای اصلاح گذشته شان ضد اعتدال را رعایت میکردند و اقلاً بعنوان دو جریان رفرمیست در محدوده ای ایوزسیون لگال (قانونی) به تخمیق توده ها پرداخته و رژیم سرمایه داری را حکم و اصلاح می نمودند، باز حرجی بر آنها نبود چون این مشخصه همه جریانات رفرمیست در جنبش کارگری و یا به اصطلاح طرفداران رژیم " راه رشد غیر سرمایه داری " است. اما اگر هدف رفرمیست ها بطور اعم توجه سیستم سرمایه داری و کردار رفرمیستی است، حزب توده و اکثریت خود را به این اهداف محدود نمی کنند و فراتر از آن گام می نهند، به نحوی که با نهایت افتخار بعنوان جاسوس رژیم جمهوری اسلامی ایران خدمت می کنند و هر آنچه نیرو و تسلیحات دارند در راه این راه در طبق اخلاص می گذارند. آنها تمهید کرده اند که خود را کاملاً به رژیم سرمایه داری بفروشند و همه ای اطلاعات خود را از گذشته و حال جریانات سیاسی و انقلابی در خدمت مراکز اطلاعاتی و سرکوبگر رژیم سرمایه قرار دهند. چند ماه پیش حزب توده به همه ای اعضا و هواداران خود دستور داده بود که مخالفین رژیم را که در قلموس آنها " ضد انقلابیون " و " گروهکهای امریکایی " به حساب میآیند، به مراجع قانونی (سپاه پاسداران و کمیته ها و غیره) معرفی نمایند. حزب توده پس از آشکار شدن این دستور تاریخی با بشرمی زاندا لومفی، علناً به آن افتخار کرد و تنگ جاسوسی برای رژیم را با چشم داشت به روزهاش طلایی آینه (همانند روزهای شیرین گذشته در کابینه قوام السلطنه) به جان و دل خرید. امروز اما فدائیان اکثریت با سرعت خود را به برادر بزرگتر رسانده و در این راه حتی از آن سبقت گرفته اند. کمیته مرکزی (اکثریت) طی بیانیهای که دو روز گذشته و بلافاصله پس از انفجار بمب در دفتر حزب حاکم و کشته شدن آیت الله بهشتی و شرکاء مرتجع آن صورت گرفت نشان داد که خیانت برایش حد و مرزی ندارد. کمیته مرکزی (اکثریت) در این بیانیه برای رژیم اشک تمنا میبرد، از کشته شدن بهشتی جنایتکار و خائن به منافع مردم و باند او در حزب جمهوری اسلامی اظهار تاسف میکند و مرگ این خائنین را به " امام امت " تبریک و تسلیت می گوید. اکثریت انفجار دفتر حزب حاکم را محکوم میکند

★ منتشر شد



لا اردیبهشت
خبرنامه کارگری

سازمان وحدت کمونیستی

شماره ۲۸

کشتار انقلابیون بدون جواب نخواهد ماند

انتخابات...

نصاب لازم برای تشکیل جلسات و تصویب لوایح ارتجاعی و ضدانقلابی دولت، با انفجار مقر توطئه‌های ضد مردمی و کشته شدن رهبر حزب چاق‌قداران و قریب سی تن از نمایندگان این حزب، تمام رشته‌ها پنبه شد و حزب حاکم باز بهمان نقطه‌ی اول رسید. روز از نو، روزی از نو، و ضرورت انجام انتخابات میان دوره‌ای یکبار دیگر در دستور کار قرار گرفت.

بارن، انتخابات میان دوره‌ای در روز جمعه ۶۰/۴/۵، برای انتخاب نوزده نماینده انجام شد. و توده‌ها با بی اعتنائی بی نظیر خود نسبت به نمایش مسخره‌ی انتخابات نمایندگان مجلس، توده‌ی محکمی به رژیم جمهوری اسلامی و حزب حاکم زدند. انتخابات ۵ تیر، فروریختن بیش از پیش توهم مردم نسبت به رژیم جمهوری اسلامی و بی اعتباری این رژیم در نظر بخش عظیمی از توده‌ها را بخوبی به نمایش گذاشت. در اغلب حوزه‌های انتخابی، نظر محترم انتخابات، مگس میبیرانند. برای نشان دادن این امر ناچاریم به آمار و ارقام همین رژیم متوسل شویم. در زیر نتایج انتخابات ۵ تیر را (که در ۷ تیر در روزنامه‌های وابسته به رژیم اعلام شد) در کنار نتایج انتخابات و فراندومهای قبلی رژیم جمهوری اسلامی قرار میدهیم. و در این بررسی تطبیقی آمار، فرض را بر این میگذاریم که رژیم جمهوری اسلامی (که یکی از ویژگیهای شناخته‌شده‌ی آن، صندوق سازی و اعمال انواع و اقسام تقلبات رسوا در انتخابات و فراندومهاست)، در انتخابات میان دوره‌ای مورد بحث، برای اولین بار دست به تقلب نزده و برای اعلام شده، آرا واقعی بخش کوچک هنوز متوهم مردم میباشد. با یک چنین فرض محال، نتایج اعلام شده‌ی انتخابات اخیر را در کنار فراندوم جمهوری اسلامی، فراندوم قانون اساسی و انتخابات مجلس شورای ملی (و بعدا اسلامی) قرار میدهیم تا میزان بی اعتمادی توده‌ها نسبت به رژیم جمهوری اسلامی و فرو ریختن توهم آنها نسبت به آن، بخوبی نمایان گردد. ارقام گویای زیر میتواند نیروهای انقلابی را در انتخابات تاکتیکی مناسب و موثر در مبارزه با رژیم بی اعتنائی

و ورشکسته جمهوری اسلامی، بهتر از هر تحلیل ذهنی - گریبانه و متوهمانه در مورد "توهم توده‌ها" نسبت به رژیم، باری دهد. بی آنکه بخواهیم در این زمینه دستخوش خوش باوری و خیالبافی شویم: "بخش عظیمی از توده‌ها که از رژیم بریده‌اند لابد طرفدار نیروهای چپ هستند". ولی این خوشباوری و خیالبافی نیست: اگر چپ ایران اینهمه پراکنده و مشتت و بی برنامه نبود، فرصت مساعدی برای ارائه‌ی یک بدیل در دست داشت و اگر امروز بتواند از آنهمه سکتاریسم، خود محوربینی و درهم‌گویی دست بردارد، نه در شعار بلکه بطور واقعی اتحاد عمل را متحقق کند، زمینه‌ی مادی مساعد برای فعالیت و چشم انداز روشنی برای آینده وجود دارد بشرطی که از گذشته‌های دور (بوژه نزدیک) درس بگیریم و اما تا بلوی ورشکستگی رژیم جمهوری اسلامی:

نام شهر	مجموع آرا مشت در فر اندوم جمهوری اسلامی (۵۸/۱/۱۰)	مجموع آرا مشت در فر اندوم قانون اساسی (۵۸/۹/۱۲)	جمع کل آرا در انتخابات مجلس (۵۸/۱۲/۲۵)	جمع آرا در انتخابات میان دوره (۶۰/۵/۴)
شیراز	۳۰۷۳۰	۲۱۸۴۹	-	۱۰۱۲۹
مغان	۱۲۰۵۲۱	۱۲۳۳۰۹	۳۸۶۲۸	۲۰۳۸۱
درگز	۲۶۲۱۰	-	-	۱۱۳۸۴
هشترود	۹۵۷۰۲	۷۰۸۴۱	-	۱۰۳۶۲
سراوان	۳۸۳۲۰	-	-	۱۴۹۹۵
کاشمر	۸۷۷۳۳	-	-	۳۱۳۲۵
رودسر	۸۱۶۲۱	-	-	۳۱۳۲۹
انزلی	۴۳۳۳۶	-	-	۵۰۵۵
کرمان	۱۷۱۷۲۱	۱۳۴۲۸۸	۷۵۷۲۴	۳۳۴۲۰
خاش	۲۱۸۳۰	۱۱۵۴	-	۷۱۶۲
نیاب	-	-	۲۷۴۴۲	۱۰۸۶۲
سیرجان	۸۳۸۹۱	۷۱۸۲۱	-	۱۹۴۰۳
بندر لنگه	۳۳۴۵۱	-	۱۷۷۲۴	۹۶۹۱
میانه	۱۱۴۳۶۱	۸۸۶۰۳	۵۵۳۹۸	۲۴۴۳۸
تبریز	۷۱۸۳۶۸	-	۱۴۶۹۵۹	۶۴۱۶۵

اتحاد عمل یا...

داشت که ادعای رهبری کنند. شما این مساله را برای توده‌های مردم چگونه توضیح میدهید که سازمانهای چپ - که قاعدتا خوبترند هستند - و همه ادعای کمونیست بودن دارند خودشان نمیتوانند دور هم جمع بشوند و آنقدر حقیرند که هر کدام شرط بودن خودشان را نبودن دیگری میگذارند ولی میخواهند از طریق کاتالیزور "دموکراتهای انقلابی" بهم بیوند بخورند. آیا توده‌های مردم حق ندارند این سازمانها را کودک صفت و غیر قابل اطمینان بدانند. آیا "دموکراتهای انقلابی" حق ندارند تک تک با این سازمانها بمنفع خود وارد مذاکره شوند؟ رفقا! در ابتدا باید بدیل چپ را ساخت. اگر هم نتوان هنوز بدیل اجتماعی بود باید صدای واحد چپ را حول برنامه‌های مشترک تدوین و ارائه و تبلیغ کرد. باید توده‌های این مرز و بوم در ابتدا بفهمند چپ چه - است. باید دموکراتهای انقلابی بدانند که با اتحادین مستحکم روبر هستند. این شرط دست نیافتنی نیست. ما بارها و بارها ضرورت آن و وجود زمینه‌های مناسب را یادآور شده‌ایم. عدم توجه به آنها چیزی کمتر از خیانت نیست.

اما این جبهه‌ی ضدفاشیستی بر فرض تشکیل جبهه و تبلیغ‌های دارد؟ این جبهه مبارزه‌ی ضدفاشیستی میکند. این توضیح اگر همانگویی باشد بخاطر اینست که رفقا توجه ندارند که جبهه‌ی ضدفاشیستی، انقلاب نمیکند. رفقا توجه ندارند که قبل از انقلاب کردن باید فهمید چه انقلابی در نظر است. "اتحاد نیروهای

انقلابی" بنظر شما میخواهد چه کار بکند. چه نوع انقلابی بکند. از میان دموکراتهای انقلابی مورد نظر شما، سازمان مجاهدین خلق را در نظر بگیریم. آیا شما یا ما با هیچ ذی‌روح دیگری میدانید انقلاب مورد نظر مجاهدین چیست؟ آیا انقلاب اسلامی است؟ سوسیالیستی است؟ "دموکراتیک نوین"، "دموکراتیک ملی" و یا چیز دیگری است؟ ما میدانیم. هواداران شما هم میدانند. آیا شما، رهبری سازمان، میدانید؟ آیا شما حاضرید همراه با مجاهدین، انقلاب اسلامی کنید؟ آنها به اسلام معتمدند و میخواهند اسلام به طریق دموکراتیک حاکم بر جامعه شود. آیا شما چنین میخواهید؟ خواهید برسید و خواهند برسید کدام اسلام. خواهید گفت که درک مجاهدین از اسلام سواي درک رژیم فعلی است. بسیار خوب، ما نیز میدانیم. اما مشخص کنید که شما برای کدام نوع جمهوری اسلامی حاضر به مبارزه هستید؟ ما هیچ نوع جمهوری اسلامی، هیچ نوع حکومت دینی و دینسالاری را نمیپذیریم و بطریق اولی برایش نماند. مبارزه میکنیم و نه "انقلاب". ما به تحایلات دموکراتیک مجاهدین احترام میگذاریم و حاضریم همراه با آنان برای دموکراسی و علیه فاشیسم مبارزه کنیم اما این را نیز میدانیم که انقلاب آنها انقلاب ما نیست. این را خود آنها نیز البته میدانند. بی‌شما چگونه "جبهه‌ی انقلابی" را در نظر میگیرید که گویا هم شما و هم سایر کمونیستها و هم مجاهدین "باید حول یک برنامه‌ی ملی انقلابی که معمولا برنامه‌ی جبهه نامیده میشود" در آن شرکت کنند و انقلابی که معلوم نیست چیست انجام دهند.

اتحاد عمل یا...

رفقای شما قبل از قیام بما ایراد میگرفتند که برداشت ما از نقش روحانیون و مرتجع خواندن آنها و فاشیست خواندن آنها چه پروانه است؟ هنگامیته "نقش روحانیون در گذار قدرت" را منتشر کردیم و به نیروها چه هشدار دادیم که این جماعت بر گودهی ما سوار خواهند شد و پس از پیروزی ما را هدف خواهند گرفت، چپ ایران چنان سردر گم و عقب افتاده بود که نمیخواست و نمیتوانست واقعیات را ببیند. اما امروز چه؟ آیا کسی هنوز پیدا میشود که چپ باشد و ایران نفی شده باشد؟ و اگر از تجربه آمرختهایم آیا این آمرختستن فقط مربوط به گذشته میشود یا میتوان آنرا برای حال و آینده نیز در نظر داشت؟ رفقا! ما با دموکراتهای انقلابی میتوانیم علیه فاشیسم متحد شویم ما حتی نمیتوانیم جبههی ضد امپریالیستی تشکیل دهیم چون آنها ضد امپریالیست هستند ولی ما و آنها نمیتوانیم مشترکا انقلاب اجتماعی کنیم چون یک نوع انقلاب اجتماعی را در نظر نداریم. اینجا بحث بر سر لغات نیست. بحث بر سر مفاهیم است. بحث بر سر انتظارات ماست. بحث بر سر تئوری و بیانی ماست. دقیق باشیم. بدانیم چه میخواهیم تا بتوانیم راه وصول به آنرا مشخص کنیم.

ما هنگامیکه نامهای سرگشاده به مجلس نوشتید بسیار نگران شدیم، و هنگامیکه از خود انتقاد کردید شادمان شدیم. شما رفقا دلیل این اشتباه و سایر اشتباهات را "ریکترهاگ زدنها و عقب ماندگی ها" و نداشتن "سیاست و برنامهی معین" شمردهاید. این توضیحات صمیمانهی شما همه را تحت تاثیر قرار میدهد ولی شما رفقا دلیل هر چه هست مسئول عواقب آن کیست؟ گناه مردم و هواداران شما چیست که شاهد این مسالنه باشند. شما صداقت داشتهاید و آنرا بیان کردهاید، درگیران صداقت و شجاعت ابراز آنرا نداشتهاند. ولی بعد چه؟ آیا عقب ماندگی فضیلت است؟ آیا ما نیروهای غیر اجتماعی هستیم که صرفا اعتراف به کمبودهایمان موجب تزکیه شود؟ رفقا! نه شما، نه ما، نه بیکار، نه راه کارگر و نه سایر گروهها و سازمانها به تنهایی قادر به رفع عقب ماندگی ها هستیم. تشخیص این مسالنه باید همراه با درمان آن باشد. فقط اتحاد همهی ما میتواند آن "برنامه و سیاست معین" را تدوین کند. شما بسه تنهایی نمیتوانید. هیچکس به تنهایی نمیتواند. قبل از آنکه یک فاجعهی دیگر بر ما نازل شود برای رفع این ناتوانی بکوشیم. تاریخ کسانی را که برای رفع ناتوانیها نکوشیدهاند نخواهد بخشید. تفتی و "اعتراف" و "انتقاد" هم در همین است.

و باید به اقساط از حقوق آنها کسر شود. با انتشار تبیین مدیر عامل منصوب توسط رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی که چندی قبل با ایجاد تفرقه در میان کارگران موفق به کسر ۱۰۰۰ تومان اضافه پرداخت شده بود، قصد کسب باصلاح پیروزی دیگری را داشت و مگر نه اینکه پرداخت ۳۱۵۰۰ ریال غیر قانونی بود و "رهبر جمهوری اسلامی" هم گفته امسال سال قانون است پس باید قانون اجرا شود. مسلم است که در رژیم سرمایه داری قانون بنفع سرمایه داران و بضرر کارگران است.

کارگران با دیدن اطلاعیه دست از کار کشیدند و به قسمت اداری رفتند. در آنجا آنها مدیر عامل رایبه کارگاه کشانده و خواهان توضیح شدند. کمانگر مدیر عامل کارخانه گفت که قانون باید پیاده شود و شما باید وام را پس دهید. کارگران در جواب گفتند که نماینده هی دادستانی باید به مسئله رسیدگی کند. کمانگر در پاسخ گفت حکم مدیریت او را وزیر امضا کرده و نماینده دادستانی هیچ سستی ندارد. بدنبال این گفتگو، کارگران کمانگر را به گروگان گرفته و دست به اعتصاب زدند.

بلافاصله پس از این اقدام انقلابی کارگران، اعضا انجمن اسلامی و توده ایها که همگی کارگزاران و حامیان رژیم سرمایه داری هستند شروع به سمپاشی علیه کارگران مبارز کردند. روز دوم اعتصاب نیز همین عوامل دولت سرمایه داری یعنی انجمن اسلامی و توده ایها سعی در شکستن اعتصاب و ایجاد تفرقه بین کارگران کردند. کارگران مبارز و آگاه نیز دست به افشاکاری میزدند. یکی از آنان گفت "کارگران و همکاران. من قبل از اینکه صحبت کنم وصیت نامه ام را نوشته ام. فقط از شما خواهش میکنم که اگر مرا گرفتند به زن و بچه من سر بزنید. ما سازور توانستیم این مزدور آن را کنار بگذاریم از حق خود دفاع کنیم." در روز سوم اعتصاب، اعضا انجمن اسلامی و توده ایها که کاری جز حفظ رژیم سرمایه داری و خیانت به کارگران ندارند، دست بکار شده و موفق به ایجاد تفرقه در میان کارگران شدند.

قسمت نهم سختمی کولرو بخاری اولین قسمتی بود که اعتصاب را شکستند و شروع به تار کردند. سپس قسمتهای فزوم و تراشکاری که انجمن اسلامی در آنجا پایه دار شروع به کار کردند گرچه اعتصاب شکست خورد، ولی مثل هر اعتصاب دیگر در سپاهی را در بر داشت.

کارگران اکنون پی برده اند که نباید بسه نماینده دادستانی و هیچیک از کسانی که به رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی وابستگی دارند امیدی داشته باشند. همچنین انجمن اسلامی و توده ایها نیز با خیانت خود به منافع کارگران یکبار دیگر چهره واقعی خود را به نمایش گذاشتند و نشان دادند که حامی سرمایه داران هستند و نه حامی کارگران. اکنون کارگران باید متشکل و متحد برای آزادی نفس از رفقای خود که در زندان بسر میبرند مبارزه کنند و چهره ضد کارگری و ضد انقلابی رژیم جمهوری اسلامی و تمامی عوامل آنرا هر چه بیشتر افشا کنند.

گزارشی از اعتصاب کارگران مبارز ارج

مدتی بود که اختلاف بین مدیر عامل، انجمن اسلامی و شورای فرماندهی بر سر نحوهی بالا بردن سود و در نتیجه استعمار بیشتر کارگران بالا گرفته بود. تا اینکسه بالاخره با صدور اطلاعیه ای نشان دادند که در سرکسب کارگران اتفاق نیفتاده. روز ۲۵ خرداد ۶۰، اطلاعیه ای از طرف مدیر عامل کارخانه بر تابلو نصب شد. دال بسر اینکه مبلغ ۳۱۵۰۰ ریال که در تابستان ۵۹ بعنوان وام سود به کارگران پرداخت شده بود، غیر قانونی است.

اخبار

نمی مانند و دیر نیست روزی که جنایتکاران رژیم جمهوری اسلامی، درست مثل دژخیمان رژیم شاه به سزای اعمال ننگین خویش برسند، همچنانکه بهشتی و کچوشی (رئیس زندان اوین) رسیدند.

□ رژیم جمهوری اسلامی، هر روز بیش از پیش پا جای پای رژیمهای فاشیستی و ارتجاعی می گذارد. پینوشه در شیلی پس از کودتا در سال ۱۹۷۳ از ورزشگاهها برای بازداشت مبارزین استفاده کرد. اکنون نیز رژیم جمهوری اسلامی با استفاده از تجربیات سایر رژیمهای فاشیستی مثل رژیم پینوشه دست به همین اقدام زده است. مطابق گزارش شاهدان عینی، هم اکنون ورزشگاه صد هزار نفری واقع در جاده ی تهران - کرج به بازداشتگاه تبدیل شده است و چند هزار نفر در آن زندانی هستند.

□ بدنبال اعتصاب ناموفق در کارخانه ارج در ماه خرداد، پاسداران سرمایه ۲۷ نفر از کارگران را در هفته ی گذشته دستگیر کردند. همچنین پاسداران ضد انقلابی، با در دست داشتن لیستی تعدادی از کارگران کفش منی را که قبلاً شناسائی شده بودند، دستگیر کرده و در دومینی پوس به اوین برده اند.

رژیم با اصطلاح حامی مستضعفان که رهبرش خمینی معتقد است " خدا هم کارگر است"، این گونه پاسخ کارگران را که خواهان بهتر شدن وضع زندگی خود هستند، میدهد. این رژیم ارتجاعی در ظرف دو سال و چند ماه گذشته نخوبی ثابت کرده است که فقط خواهان حفظ و بازسازی سرمایه داری است و مانند هر رژیم دیگر سرمایه داری دشمن کارگران است. کارگران تنها با یک انقلاب سوسیالیستی و در دست گرفتن دولت است که موفق به تحقق خواستهای خود خواهند شد.

□ تعدادی از اتومبیلهای کمینه و پاسداران که در سرکوب مبارزات مردم شرکت می کنند، به شرح زیر شناسائی شده اند:

بنز زرد ۲ ۲۲۶۶ تهران ۲۶، بنز سبز ۳۷۸۲۵ تهران
 ق، بنز سیاه ۲۵۲۴۵ تهران ۲۴، بنز ۷۶۹۱۸ تهران
 پژو سفید ۷۷۹۲۷ تهران ۲۵، بنز آبی ۱۳۶۷۴ تهران
 ۲۶، پیکان کار ۸۵۲۲۲ تهران ۲۲، پیکان قرمز ۷۵۹۴ تهران ۲۶، وانت مزدا سبز ۱۱۲۱۳ ارشدت
 ۷۷، شورلت ایران قهوه ای ۱۳۶۶۳ تهران ط، پیکان قرمز ۸۱۸۸۷ تهران ۲۲، ب ام و سربی ۹۳۵۹۱ - تهران ع، شورلت زرد ۱۳۴۴۱۳ هواز ۹۱، تویوتا طوسی ۷۲۱۲۸ تهران ص ب ام و لیمونی ۳۹۹۶۳ - رفاشیه، بنز سرمه ای ۳۵۹۲۳۵ تهران ط، ب ام و زیتونی ۸۹۵۵۶۵ تهران ۲۹ پژو سبز ۱۸۲۵۹ - تهران ه، پیکان سبز ۹۹۸۶۳ تهران ل (متعلق به کمیته منطقه ۹)

اوین

دوشنبه ۶۰/۴/۸

یکی دیگر از مزدوران کثیف رژیم جمهوری اسلامی به سزای اعمال خود رسید. روز دوشنبه یکی از پاسداران زندان اوین که یکی از اقوام نزدیک خود را در اعدامهای هفته اخیر از دست

داده بود، با شلیک چند تیر به زندگی کثیف محمد کچوشی زندانبان خائن زندان اوین کشته دستش به خون مندها مبارز انقلابی آلوده بود. خاتمه داد هگویا این پاسدار قصد کشتن محمد کیلانی با اصطلاح حاکم شرع، لاجوردی، دادستان ضد انقلاب، و قدوسی دادستان کل رژیم ضد انقلابی را نیز داشته است، ولی موفق نشده است. بهر حال این جنایتکاران همچون سایر جنایتکاران تاریخ، موفق به فرار از مجازات نخواهند شد.

تهران

□ در ساعت ۱۲ نیمه شب یکشنبه ۸ تیر حدود سه ساعت پس از انفجار بمب در دفتر مرکزی حزب ارتجاعی و فاشیستی جمهوری اسلامی، جلادان رژیم ضد انقلابی ۱۱ تن را که ۶ نفرشان فقط به جرم مبارز بودن محکوم شده بودند، با الفاظی از قبیل "فساد فی الارض و غیره"، به جوخه اعدام سپرده رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی همچنین روز دوشنبه ۱۰ تیر، ۱۰ تن دیگر از انقلابیون را در تبریز اعدام کرده.

رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی بار دیگر با این کار خود ثابت کرد که در وحشیگری و احمق فاشیستی دست کمی از رژیم شاه و جلادان آن ندارد و در مقابل مبارزات مردم زحمتکش ایران روز به روز به اعمال وحشیانه تری متوسل می شود. ولی همچنانکه تاریخ دور و نزدیک مبارزات مردم ما نشان داده است این جنایات هرگز بی جواب

هسته های مقاومت توده ای را سازمان دهیم